

توصیف واکه ها در گویش لمزانی و مقایسه‌ی آن با فارسی معیار

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۲/۰۸

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۲/۰۸

محمد صالح ارزن کار*

زهرا انصاری**

جواد دهقانی***

چکیده

گویش لمزانی، گویشی متداول در قسمت مرکزی بخش مهران است که در شمالی‌ترین محدوده‌ی شهرستان بندرلنگه، جنوب شرقی بستک و محدوده‌ی غربی بندرخمیر واقع شده است. مردم شهر لمزان و سیزده روستای هم‌جوار در مرکز بخش، گویشوران این گویش هستند. پژوهش حاضر به بررسی و توصیف واکه‌های این گویش در تقابل با فارسی معیار می‌پردازد. در این مقاله، با استفاده از جفت‌های کمینه و به دست دادن مثال‌های واجی در سه موضع آغازی، میانی و پائینی، واکه‌ها بررسی و توصیف شده‌اند. برآیند این تحقیق مبین این نکته است که علاوه بر تمایزاتی در مبحث واکه‌های مرکب، در مقابل شش واکه‌ی ساده در زبان فارسی معیار، این گویش دارای یازده واکه‌ی ساده است که در سه دسته‌ی کوتاه، بلند و کشیده دسته‌بندی می‌شوند.

۶۵

کلید واژه‌های ۵: گویش لمزانی، فارسی معیار، واج، واکه‌های ساده، واکه‌های کشیده، واکه‌های مرکب.

*دانشجویکارشناسیارشد زبان‌وادیبا تفارسی، دانشگاه‌هرمزگان.. arzankar62@yahoo.com

** استادیار گروه زبان‌وادیبا تفارسی، دانشگاه‌هرمزگان. Ansari_Zahra@yahoo.com

*** استادیار گروه زبان‌وادیبا تفارسی، دانشگاه‌هرمزگان. Mirjavad2003@yahoo.com

-۱ مقدمه

لمزان مرکز بخش تازه تأسیس «مهران» از توابع شهرستان بندرلنگه است که در محدوده‌ی شمال شرقی شهرستان بندرلنگه، جنوب شرقی شهرستان بستک و غرب شهرستان بندرخمیر واقع شده است. در بخش مهران به طور کلی سه گویش وجود دارد؛ در قسمت مرکزی بخش شهر لمزان و سیزده روستای کوچک و بزرگ به گویشی تکلم می‌کنند که از

نواحی شرقی و غربی بخش متمایز است و ما آن را به اعتبار مرکز بخش مهران، «گویش لمزانی» می‌نامیم. این گویش هم با گویش جنوب فارس موسوم به «دری لارستانی» یا «آچمی» هم خانوادگی و قرابت دارد و هم به گویش قسمتی از غرب هرمزگان شبیه است.

تاکنون هیچمحققی درباره‌ی گویش و فرهنگ این منطقه پژوهش یا حتی اظهار نظر نکرده است؛ هرچند با وجود جدا شدن جغرافیایی لمزان از لارستان چنین به نظر می‌رسد که باید زیر مجموعه‌ی گویش‌های هرمزگان باشد؛ اما شباهت‌های ظاهری و ساختاری بسیار با خانواده‌ی گویش‌های لارستانی در بسیاری جهات، ایجاب می‌کند آن را به عنوان یکی از گویش‌های ناشناخته و معرفی نشده از خانواده‌ی گویش‌های لارستانی فرض کنیم. با وجودی که این گویش هیچ گاه مطالعه و معرفی نگردیده و نیز زیر مجموعه‌ی خانواده‌ی گویشی خاصی قرار داده نشده است، اما می‌توان با پژوهش ودققت در ساختهای آوایی و صرفی آن و تجزیه و تحلیل داده‌ها به نتیجه‌ای متقن رسید؛ پژوهش‌هایی از این دست اگر به صورت علمی صورت پذیرد، می‌تواند گام‌های مؤثری برای شناساندن این گویش برداردو مشخص سازداین گویش، گویشی مستقل یا زیر مجموعه‌ای از گویش‌های اطراف است.

۲- اهمیت و ضرورت تحقیق

در استان هرمزگان به دلیل موقعیت خاص استراتژیک اقتصادی، مجاورت و آمد و شد مکرر با کشورهای حوزهٔ خلیج فارس و نیز محرومیت روستاهای و معضل کم آبی و بارش بسیار کم باران و به تبع آن رغبت به شهرنشینی روستائیان، مسئله‌ی صیانت از گویش‌ها بیش از پیش مهم می‌نماید؛ چه اینکه در روند روبه رشد فناوری‌ها و فرآگیری زبان معیار و نیز تغییرات گسترده در بخش فرهنگ، زندگی اجتماعی و روند اقتصادی، عامل وحدت بخش نواحی و قومیت‌ها را که گویش محلی می‌باشد، در معرض زوال و نابودی قرار داده است. در بخش مهران و شهر لمزان نیز به تبع متروک ماندن شیوه‌ی زیستن قدیم و روی آوردن به فرهنگ زندگی شهرنشینی، خصوصاً اهتمام بسیاری از خانواده‌ها به تکلم با خردسالان به زبان فارسی معیار و سعی در همراه کردن خود با فرهنگ روز جامعه و جهان، گویش و فرهنگ محلی در معرض بی‌توجهی و آسیب پذیری قرار گرفته است که اقتضا می‌نماید توجهی جدی به این گنجینه‌ی با ارزش و اصیل که معرف واقعی فرهنگ جامعه می‌باشد، صورت گیرد.

یکی از موارد مهم و تأثیرگذار در زوال لهجه‌ها و گویش‌ها که کمتر به چشم می‌آید، قرض گیری واجی (phonological borrowing) است. «قرض گیری واجی روندی است که طی آن عناصر والگوهای آوایی یک زبان به زبان دیگر وارد می‌شوند، و در نتیجه در نظام آوایی زبان قرض گیرنده تغییراتی ایجاد می‌کنند. واژه‌های قرضی معمولاً با قواعد آوایی و ویژگی تلفظی زبان قرض گیرنده، انطباق پیدا می‌کنند و به این ترتیب رنگ غیر بومی خود را از دست می‌دهند.» (مدرسی، ۱۳۹۱: ۹۴) با توجه به این مهم، یعنی قرض گیری واجی و تأثیر آن بر نظام آوایی زبان و آسیب پذیری این گویش زنده‌ی بومی، در این تحقیق به بررسی‌یوتوصیف یکی از مباحثهای مهم واجی، یعنی واکه‌ها در گویش لمزانی می‌پردازیم.

۳- شیوه‌ی تحقیق

از آنجا که پیرامون گویش مذکور هیچ گونه مطالعه ای - چه به صورت چاپی و چه به صورت الکترونیکی - انجام نشده است و هیچ منبعی در این باره موجود نمی باشد، این تحقیق به صورت میدانی انجام گرفته است و با وجودی که پژوهشگر، خود از گویشوران بومی محسوب می شود و طی ده سال به ثبت و ضبط داده‌های گویشی اهتمام ورزیده است، اما برای سنجش بهتر و بالا بردن دقیقت پژوهش، از گویشوران اصیل و مدرسه ندیده اعم از کهنسال و میانسال و نیز تعدادی گویشور میانسال آشنا به لغت و شم زبانی، برای تلفظ دقیق و تصحیح خطاهای احتمالی استفاده شده است. در نهایت پژوهشگر، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از دانش زبانی خود بهره برده است. برای این منظور، با استفاده از جفت‌های کمینه و به دست دادن مثال‌ها در موضع آغازی، میانی و پایانی واژه، واکه‌ها بررسی و توصیف شده‌اند. چون این گویش فاقد خط نوشتاری است، بنابراین مثال‌های استفاده شده در این پژوهش به صورت واج‌نویسی ارائه شده‌اند.

۴- توصیف واکه‌ها

به آوایی که «در گذر از اندام‌های گویایی به آن چنان مانعی از نوع انسدادی، سایشی، غلطان، کناری و غیره برخورد نکند که در نتیجه‌ی آن، آوای تازه‌ای بدان افزوده شود» (حق‌شناس، ۱۳۹۲: ۷۳)، واکه گفته می‌شود. مهم‌ترین عضو در تولید واکه‌ها، زبان است؛ از آن رو که مشخصه‌ی مهم تمایز واکه‌ها یعنی پیشین و پسین بودن و نیز باز و بسته بودن واکه‌ها به عامل زیان بستگی دارد (ثمره، ۱۳۹۲: ۸۴). واکه‌های این گویش را می‌توان به دو دسته‌ی ساده و مرکب تقسیم کرد.

۱-۴ - واکه ساده

«هرگاه در طول تولید یک واکه، اندام‌های گویایی در یک حالت بمانند، به طوری که در تمام مراحل تولید، شکل لب-ها و ارتفاع و حالت زبان یکسان بماند آن واکه را ساده می‌نامند.» (حق‌شناس، ۱۳۹۲: ۱۰۵). در زبان فارسی بنا به تلفظ رایج مرکز کشور شش واکه‌ی ساده یا بسیط وجود دارد.

این واکه‌ها عبارت اند از: سه واکه‌ی پیشین: آ (ā)، ا (e)، ای (i)؛ سه واکه‌ی پسین: آ (ā)، او (o)، او (u). این واکه‌ها به دو دسته‌ی «کوتاه» و «بلند» تقسیم می‌شوند (باقری، ۱۳۹۲: ۱۰۵).

گویش لمزانی در مبحث واکه‌ها از فارسی معیار متمایز است. همانطور که بیان گردید در فارسی معیار شش واکه‌ی ساده موجود است، در حالی که در این گویش ۱۱ واکه‌ی ساده وجود دارد: سه واکه‌ی کوتاه، پنج واکه‌ی بلند و نیز چهار واکه‌ی کشیده که با فرآیند کشش جبرانی تولید می‌شوند. واکه‌های کشیده که حاصل حذف همخوان‌های چاکنایی است و نیز دو واکه‌ی بلند در این گویش، آن را به نحو خاصی متفاوت نموده است.

۱-۱-۴ - واکه‌های کوتاه

آ/a/

(پیشین، باز، گسترده، کوتاه)

«هنگام تولید این واکه، فاصله‌ی جلوی زبان تا سخت کام حدود دوبرابر مسافتی است که برای تولید /e/ لازم می‌باشد. برجستگی زبان اندک، و در واقع به صورت یکانقباض از جلو به عقب، در بدنه‌ی زبان ظاهر می‌شود. کناره‌های زبان با دیوار داخلی دندان‌های پایین تماس دارد و نوک آن اندکی به عقب کشیده شده‌است در پشت دندان‌های پایین قرار می‌گیرد، فاصله‌ی بین دندان‌های بالا و پایین در قسمت جلو و فاصله‌ی لب‌ها از یکدیگر به حدود دوسانتیمتر می‌رسد، شکل لب‌ها گسترده‌ی باز است.» (ثمره، ۱۳۹۲: ۹۳)

تفاوتبین این شیوه‌ی تولید و تلفظ در گویش لمزانی و زبان فارسی به چشم نمی‌خورد. همچنین مشخصه‌ی واکی آن، لرزش تار صوتی و واکبری است.

: /a/ در تقابل با /ā/ (bar) ← (bar)

در موضع پایانی		در موضع میانی		در موضع ابتدایی	
/ Para/ پاره	/ Kesa/ کیسه	/ Čilak/ چیره	/ Pal/ پر	/ ?allek/ آویزان	/ ?assok/ هسته

۱/e/

(پیشین، نیم باز، نیم گسترده)

«اندام‌های سازنده‌ی این واکه، بخش پیشین زبان و سخت کام هستند. فاصله‌ی جلوی زبان و سخت کام، هنگام تولید این واکه، دوبرابر فاصله‌ای است که برای تولید /i/ لازم است. فاصله‌ی دندان‌های بالا و پایین حدود یک سانتیمتر است. نوک زبان در پشت دندان‌های پایین قرار می‌گیرد. نرمکام در موقعیت بالاست. تارهای صوتی در موقعیت تولید واک قرار دارند و لب‌ها به شکل نیم گسترده در می‌آیند.» (ثمره، ۱۳۹۲: ۸۹).

در این گویش، واک مذکور همانند زبان فارسی تولید می‌شود. از وجوهات تمایز گویش لمزانی با فارسی معیار، وجود نداشتن واکی /e/ در موضع پایانی واژه است. در فارسی معیار اسم‌ها و صفات مفعولی مختوم به /e/ هستند؛ حال آنکه در گویش لمزانی حرکت پایانی اسم‌ها و صفات هیچ گله به /e/ ختم نمی‌شود، بلکه مختوم به /a/ است.

: /i/ در تقابل با /e/ (xir) ← (خور)

در موضع پایانی		در موضع میانی		در موضع ابتدایی	
-----	-----	/ Peleng/ غلت	/ Heš/ شپش	/ ?ešow/ امشب	/ ?ex/ صوت نهی

۱/o/

(پسین، نیم باز، نیم گرد، کوتاه)

برای تولید این واکه ، عقب زبان به طرف نرمکام بالا می رود و در فاصله ای از آن قرار می گیرد که تقریباً دوبرابر مسافتی است که بین این دو عضو هنگام تولید /u/ وجود دارد. بخش پیشین زبان اندکی به طرف عقب کشیده می شود. فاصله‌ی دندان‌های بالا و پایین حدود پنج میلیمتر است. شکل لب‌ها جلو آمده و گرد است، منتهی مقدار جلوآمدگی کمتر از /u/ ولی دایره‌ی لب‌ها وسیع‌تر از آن است. نرمکام راه عبور هوا را از مسیر بینی مسدود می‌سازد. تارهای صوتی در موقعیت تولید واک قرار می‌گیرند (همان: 94).

در گویش لمزانی نیز به همین شیوه تولید و تلفظ می‌شود. از نظر کاربرد، این واکه در میانه‌ی واژه، پربسامدترین است. ابتدای واژه کاربرد بالایی ندارد و در پایان واژه تنها در واژه‌هایی محدود و انگشت شمار، حرکت پایانی محسوب می‌شود.

/o/ در مقابل با /u/ (سطحی مدور و چوبی برای پهن کردن آرد خمیر) ← xun (خون)

در موضع پایانی		در موضع میانی		در موضع ابتدایی	
/Xo/	/Ko/	/Komb/	/Toromb/	/?ontey/	/?oštor/
خب	که	قوز	تنهی نخل	آن یکی	شتر

۱-۲-۱-۴ واکه‌های بلند

ā/

(پسین، باز، گرد، کشیده، بلند)

هنگام تولید این واکه، در بخش پسین زبان یک برآمدگی جزئی پدید می‌آید. مسافت بین عقب زبان و نرمکام حدوداً دوبرابر مسافتی است که بین این دو عضو موقع تولید /o/ وجود دارد. بخش پیشین زبان آزاد است و کناره‌های آن مماس بر دیواره‌ی داخلی دندان‌های پایین می‌باشد. فاصله‌ی بین دندان‌های بالا و پایین در قسمت جلو در حدود دو سانتیمتر است. لب‌ها اندکی جلو آمده به شکل بیضی گونه‌ای در می‌آیند و حداکثر فاصله‌ی آنها از یکدیگر به حدود دو سانتیمتر می‌رسد. نرمکام به بالا کشیده می‌شود و به این ترتیب راه عبور هوا از طریق بینی بسته است. تارهای صوتی در موقعیت تولید واک قرار دارند (همان: 96).

این واکه در گویش لمزانی همانند زبان فارسی تولید و تلفظ می‌شود. همچنین کشش اضافه و کشش جبرانی نیز از واج‌گونه‌های این واکه در گویش لمزانی محسوب می‌شوند.

/ā/ در مقابل با /a/: tāl (سنگ بزرگ) ← tal (خیس)

در موضع پایانی		در موضع میانی		در موضع ابتدایی	
/Telā/	/Sewā/	/Bāxāl/	/Tāl/	/?āmi/	/?āli/
طلا	جدا	پدرزن	سنگ بزرگ	عمو	سیب زمینی

/i/ ای

(پیشین، بسته، گسترده، کشیده و بلند)

هنگام تولید این واکه، قسمت جلوی زبان به طرف سخت کام بالا می رود و در فاصله‌ای نسبت به آن قرار می گیرد که جریان هوا بتواند بدون تولید سایش عبور کند. نوک زبان آزاد است و معمولاً در پشت دندان های پایین قرار می گیرد. فاصله‌ای اندک بین دندان‌های بالا و بین سطح زبان و کام، موجب کمی حجم حفره‌ی دهان می شود (همان: 87). در گویش لمانی این واکه همانند فارسی معیار تولید و تلفظ می شود.

/i/ در تقابل با /e/gira← (گیره) (مورچه‌ی ریز)

/u/ او

(پسین، بسته، گرد و کشیده)

هنگام تولید این واکه، بخش پسین زبان به سوی نرمکام افراسته می شود و در فاصله‌ای از آن قرار می گیرد که جریان هوا بتواند به آزادی عبور نماید. در تولید آن زبان حداقل ارتفاع را دارد و فاصله‌ی دندان‌های بالا و پایین حدود دو میلیمتر می باشد. نرمکام در وضعیت بالا قرار گرفته و به این طریق راه عبور هوا از بینی مسدود است. تارهای صوتی در وضعیت تولید واک قرار می گیرند، لب‌ها به جلو کشیده می شوند و به صورت گرد در می آیند (همان: 92).

/u/ در تقابل با /o/ gorr← (شیفت، یک نیمه از روز) (قراق، سر پا)

واج /u/ در گویش اصیل و قدیم لمانی کاربرد امروز را نداشته، بلکه محصول تغییرات و فرآیندهای آوایی از واکه‌های /o/ و /ā/ بوده است:

تبديل /o/ به /u/ pol← (پل) (برویم) ← ?o-šum ، pul←

تبديل /ā/ به /u/ šomā: (شام) ← šumā (شما) ←

آنچه که در بررسی این واکه به دست می آید این است که گویشوران قدیمی این گویش در اغلب موارد در موضع پایانی واژه، /u/ را بدل از /ā/ تلفظ می کنند:

xuna	←	xāne (خانه)
zamun	←	zamān (زمان)

این واکه از خصیصه های واکه ای این گویش محسوب می شود که در دهه های گذشته به واکه ای /i/ و امروزه در بین گویشوران تحصیل کرده به /u/ تبدیل می شود. تفاوت مهم این واکه با /u/ در این است که /u/ از قسمت عقب زبان و با گرد شدن لب ها تولید و پسین محسوب می شود و در مقابل، واکه ای /ü/ با کاسته شدن از میزان گردی لب ها، از قسمت جلو زبان تولید می شود و واکه ای پیشین محسوب می شود؛ به همین سبب تبدیل آن به واکه ای پیشین وکشیده ای /i/ در بین گویشوران قدیمی و اصیل، راحت تر و معمول تر بوده است. از آنجایی که این واکه، هنوز در مواردی ممیز معناست، واکه ای مستقل محسوب می شود.

/ü/ در تقابل با /u/ : tür (سرگشته) ← tur (تور)، pül (پول) ← pul (پل)

/ü/ در تقابل با /i/ : sûr (شور) ← sir (سیر)، där (دور) ← dir (دیر وقت)

این واکه، سابق در جایگاه واکه ای /u/ به کار می رفت و گویشوران قدیمی تلفظ /u/ را به این واکه تغییر می دادند، در مثال های زیر فراوانی این واکه در گویش اصیل لمزانی مشهود است:

zür (зор)، mür (مور)، xür (خور)، tür (فریب)، gül (سرگشته)

Kür (کور)، sûr (شور)، gür (گور)، güst (گوشت)، pül (پول)

داده های بالا نشان می دهد که واکه ای /ü/ در بین گویشوران اصیل موجودیت دارد و در جایگاه /u/ در فارسی معیار، تلفظ می شود. این واکه در آغاز و پایان واژه کاربرد ندارد و تنها در بخش میانی آن، به تلفظ در می آید. فرآیند حذف از تلفظ پایانی را می توان اینگونه نشان داد:

jāri	←	jārū	←	jāru (جارو)
pati	←	patū	←	patu (پتو)
ri	←	rū	←	ru (رو)

harum	←	harām (حرام)
takun	←	takān (تکان)
xeyābun	←	xeyābān (خیابان)
gamun	←	gamān (گمان)
num	←	nām (نام)
mu	←	mā (ما)

ši	←	šü	←	šu (دود)
bi	←	bü	←	(بو) bu

تلفظ این واکه در پایان واکه و هجا، تنها در واژه‌هایی معدود، آن هم بین کهنسالان مشهود است:

Kü (کوه)، dü (تخته سنگ‌های کوهستانی)، rüxona (رودخانه)

۵/ نوعی از (آ)

(پسین، گرد، نیم باز)

این واجگونه، نوعی از واکه‌ی ساده‌ی /a/ محسوب می‌شود که در فرآیند تولید آن لب‌ها گرد است و جایگاه تولید آن قسمت پسین زبان است. حق شناس (1392:103) آن را در دسته‌ی واکه‌های نیم باز جای داده است و معتقد است [۵] با لب‌های گرد و [Λ] با لب‌های گسترده تولید می‌شود؛ همچنین درجه‌ی پسین بودن آنها را کمتر از [۷,۵] می‌داند. در این گویش واجگونه‌ی مذکور در انتهای افعالی واقع می‌شود که قاعده‌تاً باید مختوم به /o/ باشند، اما به سمت /a/ گرایش می‌یابد تا حدی که به یکی از واجگونه‌های /a/ تبدیل می‌شود. در تلفظ بعضی از گویشوران که آمیختگی گویشی نیز دارند، این واجگونه به شکل /u/ به لفظ می‌آید. در گویش اصیل لمزانی واجگونه /۵/ در پایان افعال متعدد ماضی کاربرد چشمگیری دارد.

کردم	←	mo-kو
نهادی	←	ot-nو
خوردیم	←	moj-xو
ریختم	←	om-bareno
می خوابانید	←	še-xatenو

۴-۱-۳- واکه‌های کشیده

واکه‌های کشیده یا کشش واکه را می‌توان واجگونه‌ای از واکه‌های ساده دانست. هنگامی که بعد از واکه‌ها، دو همخوان متوالی بیایند، معمولاً همخوان اول که معمولاً چاکنایی است از تلفظ حذف و واکه کشیده می‌شود. واکه‌های کشیده در گویش لمزانی عبارتند از:

۱/a:/ (کشیده)

فرآیند تولید این واکه همانند واکه‌ی کوتاه /a/ است؛ با این تفاوت که کشش آن بیشتر است. این کشش واکه‌ای زمانی پدید می‌آید که واکه‌ی ساده /a/ در مجاورت /h/ و /?/ باشند همانند:

ka:ri	←	کهره (بزغاله)
na:r	←	نهر
pa:ri	←	پهلو
za:ra	←	زهره
ja:m	←	جمع

این کشش واکه‌ای ممیز معناست:

/a/ در تقابل با /a:/ (شهر) ša:r ← (بدی) /a:/ (قلعه) ka:la ← (تاقچه) kala

۱ (کشیده) /e:/

این واکه همانند /e/ ولی با کشش بیشتر تولید می‌شود. هنگامی که بعد از واکه‌ی /e/ یکی همخوان‌های ساکن /y/ و /?/ قرار بگیرد، حذف می‌شود و واکه‌ی /e/ برای جبران این حذف، کشیده تلفظ می‌شود همانند:

ye:r	←	غیر
xe:r	←	خیر
be:lak	←	بیرق
tere:li	←	تریلی
kowe:t	←	کویت

این واکه نیز ممیز معناست:

/e/ در تقابل با /e:/ (خیر) xe:r ← (پیمانه) kel ← (گلو) (شاباش عروسی)

۱ (کشیده) /o:/

زمانی که هم خوان‌های ساکن /h/ و /?/ بعد از واکه‌ی /o/ قرار بگیرد، همخوان مذکور حذف می‌شود و برای جبران آن، کشش واکه‌ای پدید می‌آید.

so:bat	←	sohbat (صحبت)
mo:kam	←	mohkam (محکم)
mo:ra	←	mohre (مهره)
lo:ta	←	Laxte (لخته)
po:na	←	Pahnā (پهنا)

این واکه نیز ممیز معناست:

/ در تقابل با /o:/ (مهر) ← mormor (غولند)

در بسیاری از موارد این کشش واکه به سوی تلفظ واکه‌ی /o/ گرایش می‌یابد به طوری که تشخیص این دو واکه از هم دشوار می‌نماید نظیر:

kəna	←	ko:na	←	(محکم) kohne
təwit	←	to:wit	←	(تعویذ) ta?viz
əcs	←	so:n	←	(بسقاب) sahn
cm	←	mo:	←	(نخل) moh

۲-۴ واکه‌های مرکب

در فرآیند تولید واکه چنانچه «اندام‌های گویایی پیوسته حالت‌های خود را عوض کنند، به شیوه‌ای که در تمام مراحل تولید، لب‌ها، ارتفاع و حالت زبان دچار دستخوش گردد آن واکه را مرکب گویند» (حق‌شناس، ۱۳۹۲: ۱۰۵)، با این تعریف، باید واکه‌ی مرکب را بر حسب ساخت آوایی هر زبان یا گویش مشخص کرد. چه اینکه «ممکن است دو جزء پیاپی در زبانی مصوت مرکب و در زبان دیگر دو مصوت یا پیوند مصوت و صامت باشد؛ مثلاً پیوند [ay] در زبان فارسی توالی مصوت و صامت محسوب می‌شود، در حالی که این پیوند در زبان انگلیسی مصوت مرکب به شمار می‌رود». (مشکوئه الدینی، ۱۳۹۳: ۲۵). بنا بر اعتقاد ثمره، تفاوتی که واکه‌ی مرکب با دو واکه‌ی پی درپی دارد، این است که مرحله‌ی تولید واکه‌ی مرکبیک جریان پیوسته و تجزیه ناپذیر است، اما تولید دو واکه‌ی متوالی، مجزا از یکدیگر صورت می‌گیرد؛ به طوری که می‌توان بین آن دو مکث کرد یا حتی جزء دیگری بین آنها اضافه نمود. مثلاً در فارسی معمولاً بین دو واکه‌ی پهلوی هم، می‌توان یک همزه یا حتی همخوان دیگری حایل قرار داد، چنانکه در /dānā+i → dānā?i/ یا در /zendeh+i. به عبارت دیگر در بین دو واکه‌ی مجاور خلائی است که به وسیله‌ی همزه یا همخوان دیگری پر می‌شود، در صورتی که بین دو جزء واکه‌ی مرکب چنین خلائی وجود ندارد (ثمره، ۱۳۹۲: ۴۸).

در زبان فارسی با توجه به تقسیم بندی ثمره به طور کلی شش واکه‌ی مرکب وجود دارد که عبارتند از:

pāy	در	āy/i
xuy	در	uy/i
qayyem	در	ay/i
mey	در	ey/i
xoy	در	Oy
dowr	در	ow/u

«از آنجایی که در هنگام تولید /w/y/ هیچ گونه گرفتگی یا تنگی که موجب سایش شود در دستگاه گفتار وجود ندارد و در ضمن تولدی هر دو آوا همراه با ارتعاش تار آواها ونتیجتاً ایجاد واک می باشد، بنابراین دو آوای مورد بحث را از دیدگاه آواشناسی می توان واکه به حساب آورد» (نمره، 1392: 97)؛ در حالی که «از دیگاه واج شناسی، پهلوی هم قرار گرفتن دو واکه را هنگامی می توان یک واکه ای مرکب به حساب آورد که دو جزء آن بر روی هم نقش یک واکه ای واحد را ایفا کند، یعنی جزء دوم از جزء اول آن قابل تجزیه نباشد.» (همان: 99).

با بررسی گویش لمزانی به طور کلی می توان 6 واکه ای مرکب به دست داد؛ هر چند تمام این واکه ها را از منظر واج شناسی می توان رشته واج هایی مرکب از یک واکه و یک همخوان دانست، اما از دیدگاه واج شناسی واکه ای مرکب به شمار می روند. واکه های مرکب در گویش لمزانی عبارتند از:

/آی/

اندام های گفتار طی یک فرآیند پیوسته از موقعیت واکه /ə/ به سوی واکه ای /i/ حرکت می کنند. اندام های سازنده ای آن عقب و جلوی زبان است. حرکت زبان از عقب به جلو واژ پایین به بالاست (همان: 97). در گویش لمزانی بو خلاف فارسی معیار، این واکه تداول اندکی دارد و در بسیاری از مواضع دستخوش تحریف و تبدیل می شود.

در ابتدای بعضی از واژه ها این واکه به لفظ می آید

۷۵

	?āyšamma D fāyka	←	حاجی شیخ محمد
	bāy	←	فائقه
	čāy	←	وای و فریاد
		←	چای

در وام واژه ها، این واکه متحول می شود؛ بدین ترتیب که ابتدا به واکه ای /ey/ بدل می شود، سپس واکه ای مرکب به کشش واکه ای منجر می شود.

le:n	←	leyn	←	line (صف، ردیف)
Pe:p	←	peyp	←	pipe (لوله، شلنگ)
le:t	←	leyt	←	light (روشنایی)
te:m	←	teym	←	time (زمان، وقت)
le:san	←	leysan	←	license (گواهی نامه)

در برخی واژه ها نیز /āy/، بدون کشش واکه ای، به واکه ای مرکب /ay/ یا /ey/ بدل می شود:

ای /oy/

حرکت پیوسته‌ی گفتار از جایگاه واکه‌ی /o/ شروع می‌شود و در حوالی /i/ پایان می‌یابد. عقب زبان تا جایگاه /o/ به طرف نرمکام بالا می‌رود و پس زبان به طرف جلو کشیده می‌شود، قسمت جلو زبان تا ارتفاع لازم برای واکه‌ی /i/ به سوی سخت کام بالا می‌رود (همان: 98).

این واکه در گویش لمزانی بسامد بالایی ندارد و تنها در واژه‌های معددی مشاهده شده است:

(به او) oy

(با، همراه) xoy

(کجا) koy

ای /ay/

حرکت پیوسته‌ی اندام‌های گفتار از موقعیت واکداری /a/ به سوی واکه‌ی /i/ صورت می‌پذیرد؛ بدین معنی که جلو زبان از موضع یک /i/ نسبتاً باز بالا می‌رود، حرکت فک از پایین به بالاست و شکل لب از حالت گستردگی باز به حالت خشی در می‌آید. نرمکام راه عبور هوا را از طریق بینی می‌بنند و تار آواها در موقعیت تولید واک هستند (همان: 98).

در گویش لمزانی این واکه بسامدی متوسط دارد و همانند فارسی در بسیاری از واژه‌ها نیز به /ey/ بدل می‌شود. از موارد استعمالی‌ترین واکه، مصادیق زیر را می‌توان مثال زد:

gay	←	گاهی
kay	←	کی
nayma	←	نعمه
taywa	←	طیبه
?ayð	←	عید
sayða	←	سعیده

در واژه‌هایی مثل حسین، خیر، غیر و ... واکه‌ی /a/ به /e/ بدل می‌شود.

ای /ey/

برای تولید این واکه اندام‌های گفتار طی یک حرکت پیوسته از موقعیت /e/ به سوی /i/ حرکت می‌کند. نقطه‌ی پایانی این حرکت نقطه‌ای است بین /e/ و /i/ که بی‌شک از /e/ بسته‌تر واز /i/ بازتر است. اندام سازنده‌ی این واکه جلو زبان است و حرکت زبان از پایین به بالا صورت می‌گیرد (همان: 98).

در گویش لمانی این واکه در اکثر موارد جایگزین /ay/ می‌شود و سپس در مرحله‌ی آخر به کشش واکه‌ای می‌انجامد.

?ose:n	←	hoseyen (حسین)
γe:r	←	(غیر) γeyr
me:l	←	(میل) Meyl
xe:r	←	(خیر) xeyr
ke:l	←	(کیل، میزان) keyl
se:l	←	seyl

در بعضی از واژه‌ها نیز با کشش اضافه تلفظ می‌شود:

be.y	←	عروس
te.y	←	تیهو
ke.y	←	کوچک
pere.y	←	هذیان
nine.y	←	نوزاد

قابل ذکر است این واکه در اجزا و شناسه‌های فعلی بدون تغییر تلفظ می‌شود:

mey	←	می‌خواهم
tey	←	می‌خواهی
šey	←	می‌خواهد
hond-ey	←	آمدی
veysaða	←	ایستاده است
leynaða	←	راندن

او /ow/

نقطه‌ی شروع برای این واکه مركب جایگاه تولید /o/ است؛ بدین معنی که عقب زبان در ارتفاعی که برای تولید /o/ لازم است، قرار می‌گیرد. سپس به سوی نرمه‌کام بالا می‌رود و به ارتفاعی کمتر از آنچه که برای تولید /a/ ضروری

هستند و اکه‌ی مرکب /ow/ نمود پیدا می‌کند:

xow	←	خواب
?aftow	←	آفتاب
pārow	←	فاریاب(پاریاو)
golow	←	گلاب
sorxow	←	سرخاب
dišow	←	دوشاب
tow	←	تب
nowš	←	نبش
fowl	←	خطایورزش
šenow	←	شنا
čow	←	شایعه
kowkow	←	کاکائو

۱۰/aw/

برای تولید این واکه، حرکت‌های پیوسته‌ی اندام‌های گفتار از موقعیت /a/ شروع می‌شود و عقب زبان به سوی نرمکام افراشته می‌شود. فک پایین به طرف بالا در حرکت است و در حالی که لب ها حالت نیمه باز دارند و نرمکام راه عبور هوا از بینی را مسدود کرده است این آوا با خصیصه‌ی واکبری تولید می‌شود.

این واکه در زبان فارسی معیار وجود ندارد و از ویژگی های منحصر به فرد گویش لمزانی و تفاوت آشکار آن با فارسی معیار در تولید واکه‌ی مرکب است. در این گویش هنگامی که واچ‌های لبی و دندانی /b/, /v/, /f/ بعد از واکه‌ی /a/ قرار بگیرند با تبدیل همخوان‌های مذکور به گونه‌ی ناسوده‌ی /w/, واکه‌ی مرکب /aw/ تولید می‌شود:

kawk	←	کبک
------	---	-----

لازم به ذکر است که در قیاس با فارسی معیار، در گویش لمزانی واکه‌ی مرکب /uy/ وجود ندارد و از آن جایی که با قواعد گویشی ناهماهنگ است، اغلب واژه‌های مختوم به این واکه، به واکه‌ی /ey/ یا شکل متحول شده‌ی آن، بدل می‌شوند:

beyxaš	←	بوی خوش
menesiya	←	موی سیاه
šenejāhel	←	شوی جوان
le zemej	←	روی زمین
teambār	←	توی انبار

۵-نتیجه گیری

در این مقاله انواع واکه‌های گویش لمزانی در تقابل با واکه‌های فارسی معیار بررسی و توصیف گردید. نتایج این بررسی بیانگر این است که واکه‌های گویش لمزانی، همچون زبان فارسی معیار به دو دسته‌ی ساده و مرکب تقسیم می‌شود. واکه‌های ساده به سه نوع: کوتاه، بلند و کشیده دسته‌بندی می‌شوند. در مقابل شش واکه‌ی ساده در فارسی معیار، در این گویش یازده واکه به چشم می‌خورد که حاکی از غنای این گویش در مبحث واجی است. دو واکه‌ی بلند /u/ و /ɔ:/، و نیز سه واکه‌ی کشیده‌ی /a:/، /e:/ و /o:/ از موارد تمایز این گویش با زبان فارسی معیار به شمار می‌رود. واکه‌ی بلند /a/ گونه‌ی اصیل و قدیمی واکه‌ای است که در فارسی معیار /u/ تلفظ می‌شود؛ بعدها بر اثر تئیز زبان غالب وبا فرآیند پسین شدگی، این واکه در موضع بسیاری به /u/ بدل گردید. در مبحث واکه‌های مرکب، زبان فارسی دارای شش واکه‌ی گونه‌ی معیار /uy/ می‌گردد، در موضعی نیز /ey/ به /uy/ تبدیل می‌شود. واکه‌ی مرکب /aw/ از دیگر ایتمایزات محسوب می‌شود که در واقع حاصل ناسوده شدگی همخوان /b/ در خوشبه‌ی /ab/ است و در زبان فارسی این واکه وجود ندارد.

tawl	←	طلب
sawð	←	سبز
kawr	←	قبر
sawr	←	صبر
kawš	←	کفش
kaw	←	کاه

منابع و مأخذ

- باقری،مهری (1392)،**مقدمات زبان شناسی**، چاپ هفدهم، تهران: قطره.
- ثمره، یدالله (1392)، آواشناسی زبان فارسی (آواها و ساخت آوایی هجا)، چاپ دهم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- حق شناس، علی محمد (1392)، آواشناسی (فوئتیک)، چاپ چهاردهم، تهران: آگه.
- مدرسى، یحیی (1391)، درآمدی بر جامعه شناسی زبان ، چاپ سوم ، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مشکوء الدینی، مهدی (1393)، ساخت آوایی زبان، چاپ هفتم، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

The Description of the Vowels in Lamzani Dialect and its Comparison with Standard Persian Language

Mohammad SalehArzankar, Zahra Ansari, JavadDehghaniyan

Abstract

Lamazani dialect is the most popular dialect in the central district in Mehran county, which is located in the farnorthern area of BandarLengeh, in the southeast of Bastak and the west of Bandar Khamir. The people in Lamzan and thirteen neighboring villages are the speakers of this dialect. This study examines the phonetic and the morphological features of Lamzani dialect in comparison with the standard Persion language. This article examines and describes the vowels by using minimal pairs and several morphological examples at the beginning, middle, or end of the word. The results of this study indicate that in addition to the differences in the diphthongs, unlike the standard Persian, which has six monophthongs, this dialect has eleven monophthongs that fall into the three categories: short, longs, and tense.

Key Words

Lamzani dialect, Standard Persian language, Phoneme, Monophthongs, Diphthongs, Tense Vowels

